

به نام خداوند جان و خرد

نکات: در خواندن واژگان به نکات زیر دقت داشته باشید:

الف) توجه به مفرد و جمع بودن واژه‌ها ب) توجه به واژگان هم‌آوا ج) توجه به املائی درست واژه

دانش‌آموزان عزیز به **مفرد و جمع بودن واژه‌ها** خوب دقت داشته باشید که واژه جمع، باید جمع معنی شود و واژه مفرد، مفرد ؛ نمونه:

مقاله: گفتار، سخن **مقالات:** گفتارها، سخنان

دام تستی: مقالات: **گفتار (نادرست است).**

واژگان مفرد و جمع فارسی دوازدهم

مفرد	جمع
عَبْد: بنده	عِبَاد: بندگان
بِنْت: دختر	بَنَات: جمع بنت، دختران
کاینه: موجود، موجود جهان	کاینات: همه موجودات جهان
دجیه: تاریکی	ذُجی: تاریکی‌ها
خصلت: خوی	خِصال: خوی‌ها
عاکف: کسی که در مدتی معین در مسجد بماند و به عبادت پردازد.	عاکفان: کسانی که در مدتی معین در مسجد بمانند و به عبادت پردازند.
واصف: وصف کننده، ستاینده	واصفان: وصف کنندگان، ستاینندگان
اجنبی: بیگانه	أجانب: بیگانگان
ستور: حیوان چارپا خاصه اسب، استر و خر	سُتوران: حیوانات چارپا خاصه اسب، استر و خر
سِر: راز	أسرار: رازها
مغ: موبد زرتشتی	مغان: موبدان زرتشتی
جد: نیا	أجداد: جمع جد، نیاکان
موهبت: بخشش	موهبت: بخشش‌ها
مکیده یا مکیدت: کید، مکر، حيله	مکاید: کیدها، مکرها، حيله‌ها
کنف: طرف، کناره	أکناف: اطراف، کناره‌ها
آیه: نشانه	آیات: نشانه‌ها
ذاریه: باد برفاشاننده	ذاریات: بادهای برفاشاننده، نام سوره پنجاه و یکمین از قرآن کریم
مقاله: گفتار، سخن	مقالات: گفتارها، سخنان
خُفیه: مخفیگاه	خُفایا: جمع خفیه، مخفی‌گاه‌ها، جاهای پنهان، مکان‌های مخفی
فلک: آسمان	أفلاک: آسمان‌ها
سجیه: خو، عادت	سجایا: خوها و عادت‌ها
ناحیه: منطقه	نواحی: ناحیه‌ها، مناطق

توجه: واژه «وَجَنَات» به شکل مفرد معنی آن درست است:

وَجَنَات: ج و جنه، صورت، چهره، رخساره (آثار شادی در وَجَنَاتش نمودار گردید) **وَجَنه:** صورت، چهره، رخساره

دستور:

۱- اجازه و رخصت

- ۱- تن ز جان و جان ز تن مستور نیست / یک کس را دید جان **دستور** نیست
 ۲- گر ایدونک **دستور** باشد کنون / بگوید سخن پیش تو رهنمون

۲- وزیر

- ۱- چه نیکو گفت با جمشید **دستور** / که با نادان نه شیون باد و نه سور
 ۲- به **دستور** فرمود تا ساروان / هیون آرد از دشت، صد کاروان

همت

۱- دعای خیر یک عارف در حق دیگر بندگان.

۱- همتم بدرقه راه کن ای طایر قدس / که دراز است ره مقصد و من نوسفرم (همت بدرقه راهم کن: دعای خیر عارفان بدرقه راهم کن.)

۲- اراده، عزم، تلاش

همت اگر سلسله‌جنبان شود / مور تواند که سلیمان شود

۳- کمک و یاری

همت از باد سحر می‌طلبم گر ببرد / خبر از من به رفیقی که به طرف چمن است

طاق:

۱- یکتا، تک (مقابل جفت)

- ۱- طاق پذیر است عشق، جفت نخواهد حریف / بر نَمَطِ عشق اگر پای نهی طاق نه
 ۲- رخس، آن طاق عزیز، آن تایی بی‌همتا

۲- ایوان (نهاده به طاق اندرون تخت زر / نشانده به هر پایه‌ای در گهر)

۳- سقف

- ۱- چون ابروی معشوقان با طاق و رواق است / چون روی پری‌رویوان با رنگ‌ونگار است
 ۲- دیوارهای کهن روم که هنوز **طاق ضربی** دروازه‌های آن باقی است)

واژه «خوار» در ادبیات کهن ما در معانی زیر به کار رفته است:

۱- **آسان، سهل** * اگر کوه آتش بود بسپرم / ازین تنگ **خوار** است اگر بگذرم

* سیاوش چنین گفت کای شهریار / که دوزخ مرا زین سخن گشت **خوار**

۲- بدبخت، زبون، ذلیل، مقابل عزیز

هر کرا با طمع سر و کار است / گر عزیز جهان بود **خوار** است

۳- بی‌ارزش، بی‌قدر

هنر **خوار** شد، جادویی ارجمند / نهان راستی، آشکارا گزند

اصطلاحات عرفانی

اصطلاحات عرفانی	
۱	مکاشفت: کشف کردن و آشکار ساختن و در اصطلاح عرفانی، «پی‌بردن به حقایق» است.
۲	مراقبت: در اصطلاح عرفانی، کمال توجه بنده به حق و یقین بر اینکه خداوند در همه احوال، عالم بر ضمیر اوست؛ نگاه داشتن دل از توجه به غیر حق
۳	تجربید: ۱- در لغت به معنای «تنهایی گزیدن؛ ترک گناهان و اعراض از امور دنیوی و تقرب به خداوند ۲- در اصطلاح تصوف، خالی شدن قلب سالک از آنچه جز خداست.
۴	تفرید: ۱- دل خود را متوجه حق کردن، دل از علایق بریدن و خواست خود را فدای خواست ازلی کردن، فرد شمردن و یگانه دانستن خدا ۲- عطار، تفرید را در معنی گم شدن عارف در معروف به کار می‌برد؛ یعنی وقتی که در توحید غرق شد، آگاهی از این گمشدگی را گم کند و به فراموشی سپارد.
۵	اشتیاق: میل قلب به دیدار محبوب؛ در متن درس، کنش روح انسان خداجو در راه شناخت پروردگار و ادراک حقیقت هستی (تا بگویم شرح درد اشتیاق) متضاد: اکراه

گروه کلمات املایی فارسی دوازدهم

حق جَلُّ و عِلًّا - سُبْحَانَهُ و تعالی - عَزَّ و جَلَّ - عَزَّ و ذُلَّ - مَنَّتْ گِزَار و شاکر - تَنَا و سِپَاس - نسیم و صِبا - شِبه و نَظیر - شَبَّح و سایه - عِصَارَةُ تاک - شهید فایق - نخل باسقی - صَفَوْتُ و برگزیده - مُطَاع و فرمانروا - قَسیم و صاحب‌جمال - وَسیم و دارای نشان پیامبری - مزید و افزونی - اِنَابت و توبه - اعراض و روی‌گردانی - تَضَرُّع و زاری - بَحْرِ مِکَاشِفَت - از بهر تو - فِرَو گِذَاشْتَن و رها کردن - به تحییر مَنَسُوب - بَطَان و مرغابی‌ها - قُرْبَت و نزدیکی - فاحش و واضح - خِوَان نعمت بی‌دریغ - از بهر غِرَامَت - غرامت و تاوان - دَارُوغَه و پاسبان - قَاضی و داور - مَأمُور و محتسب - ذِوَالجَلَال و صاحب بزرگی - افسار و تسمه - خِوَاچَه نظام‌الملک توسی - تَزْویر و دورویی - غریق و در آب فرورفته - آب هفت بَحْر - بگذار و رها کن - عار و ننگ - جَوَاب صواب - مَنظَرِ نَظَر - سبب زَنخْدَان - پهر وطن - مَسَلک و روش - راضی و خشنود - بیت‌الحَزَن و ماتمکده - غرقه به خون - فِرَاغَت و آسایش - غم فراقی - نِثَار استقلال - مَحْجِل و مجلس - عملیات اِحْدَات - ضِمَاد و مرهم - شَرزَه شیر آرغند - هِرَج و مرج قلمی - هِتَاکی و پرده‌دری - عِن قَرِیب و به‌زودی - سبید معجر - اساس تَزْویر - بی‌خردان سِفْلَه - سِریر و تخت پادشاهی - وارهی از دم سِتُورَان - راقم سطور (رقم‌زننده و نویسنده سطرها) - زِل زَدَن - سِلَانَه سِلَانَه و آرام‌آرام - شَرَحَه شَرَحَه از فراق - فِرَاغ و آسایش - ظَن و وهم - اَسْرار و رازها - اِصْرار و پافشاری - مَسْتُور و پوشیده - تَرِیاق و پادزهر - تاب و فروغ - مصیبت و محنت - سِوَر و جشن - مَنَسُوب به روح - مَآوَا و پناهگاه - غَايَت و نهایت - مَمَات و حیات - فَرَض و لازم - تَمَهیدَات عین‌القضات - از بهر این معنی - چَرِیغ اَقْتَاب - امپراتور روم - کَازِبَه و جاکاغذی - اِتْرَاق و در جایی ماندن - غَايَتِ القُصُوای مَقْصُود - دولت مستعجل - نِوَاحی عالم - طِیْلَسَان و ردا - یغما و تاراج - عَجین و آمیخته - مَارِ غَاشِیَه - سِوَهَاضَمَه - مَلَاط طَاقِ ضَرِبی - اِتْرَاق و توقّف - تَدَاعی و یادآوری - قَرِیب و نزدیک - چِشمَه خُضْر - پیر مُعَان - نَمَط و طریقه - طَاق و رواق - تَمُوز و ماه گرما - حُوزَه ادیب بزرگ - قَدیدیل زیبای پروین - سَمُوم سرد - نَشْئَه و کیفوری - گِشْت و گِذَار - شِیْهه و آواز اسب - قَاش و کوهه زین - حَدَّ و حَصِر - بَرخاستن پیامبران - فِخْر و مِباهاَت - مِباحَات (موارد مباح و حلال) و مَنکَرَات - عَزیمت رضاشاه - چِشمه‌های زَلال - مِوَاهِب خِداداد - حَقُوق قِضایی - تَرَقی و اِنْتِصَاب - مَنَسُوب به طفیل - غِرَفَه و بالاخانه - تَلَقی و تعبیر - ایل و عَشیره - تَلاؤُ پَرشکوه - تماشا و نظاره - بساط تَهویه

سِپاسگِزاری - غریت و دوری - داعیه و ادعا - پای فرسودگان - پالیز و بوستان - زخمه سنگ - نسیم سحرخیز - برزخ سرد - مرغ غمین - روضه و نوحه‌سرایی - حمایل و محافظ - تعلل و طفره رفتن - اصرار و پافشاری - شَبَّح و سایه موهوم - حَزین و غم‌انگیز - جَنَّة آدمی - بی‌حفاظ و بدون حصار - دَلَّه گشتن و زایل شدن - مطمئن و قابل اطمینان - مُصِر و پافشاری کننده - رمق و توان - مِتَقَاعِد و مجاب - هَضْم کردن - تِشْر زَدَن و عتاب - کِز کردن و خود را جمع کردن - صدای مهیب - اَبْرُو و حیثیت - روضه‌خوانی و نوحه‌سرایی - اَرزَم و حیا - حِشْم و خدمتکار - بوی سِمن - بَرخاستن غو - زِوَال و نابودی - هامون و دشت - گزند و آسیب - تَطاول و تعدی - کار نِغز - صد کاروان هیون - غریت و غریبی - تِپِش و اضطراب - خِوَار و آسان - سِوَرَت سرمای دی - ضِجَه و ناله - عیار و سنجش - عرصه ناوردهای هول - زهر شمشیر و سنان - رستم و شِغَاد - هِرَبُوه خوب و پاک‌آیین - چاه غَدْر ناجوانمردان - شِعْرِ مَحْض - طَاقِ عَزیز، آن تایی بی‌همتا - مکث و درنگ - تَزْویر و ریا - خوان هشتم - زِوَال و نابودی - صَد تَنَب - وادی استغنا - صَدْر خویش - جرئت و دلبری - اعانت و مظاهرت - نجم رازی - قِضا را و اِتْفَاقاً (قضا را قرعه به نام هدهد افتاد) - حیرت و سرگستگی - خِوَاستار شهریار - کَمِنْد شِصْت خَم - اِنگِشْت شِصْت - ناز شِصْت - طَرَب و شادی - صِیغَه بَلَمَتْ - مَحْظُوط و برخوردار - مَحْظُور و مانع - خِضَار مجلس - دِیالِق و لاغر - تَک و پوز کریه - مَضْغ و جویدن - هَضْم و گوارش - اَلوی بَرغان - سَاطُور قصابی - اِصْرار و پافشاری کردن - بَقُولَات و حبوبات - هُوبِدا و آشکار - اِپَا و اِمْتِناع - قَدِغِن و ممنوع - کِج و مِعُوج - نِثَار و بخشش - اَدَا و اِطوَار - سال اَرگَار - غَلِیَان درونی - خُورِد رَفْتَه و ساییده شده - اَزَل و ابد - مَائِدَه آسمانی - پَتِیاره و مهیب - وَقَاحِت و بی‌شرمی - مَآلُوف و انس‌گرفته - جِبْهَه شاعر - سِرَسرای عِمَارَت - اِتْنا و میان - تِوَطِئَه دشمن - بَدَلَه و لطیفه - اِسْتِیصال و درماندگی - بَحْبُوحَه مسابقه - به اِنضِمَام مایحِتوی - مَحُو و ناپدید - بَدقِوَارَه و ناموزون - خِضَار مجلس - مِوتُور دِیزلی - نَشخُور کردن - حِرَف‌های قَلْبَه - ذی حیات و جاندار - سِجَایای ارزش‌مند - مَنزِل غایی - زیر پا گِذَارَدَن - قَدَم گِذَاشْتَن - تِوَزِیع جِوایز - غَرَس و نشانند - مَقْهُور و مغلوب - اِهْتِزَاز و جنبش - نِوَاحی و مناطق - خِدمت‌گِزاری - بُعْض و اندوه - طَنِین و صدا - اِهْتِمَام و تلاش - غُلْغَلَه و هیاهو - فِرَاخِوَانْدَن و تَدَاعی - زَمِزَمَه مرغان - رُحِصَت و اجازه - صَحیفَه شعر - مَرْدان مَعْمُر - تَمایل و خواسته - خِوَار و بی‌ارزش - اِمَارَت و فرمانروایی - قِضا و تقدیر

نکات مهم:

نکته ۱: در املائی واژگان، «شدید» اهمیت املائی ندارد.

نکته ۲: گسسته یا پیوسته‌نویسی واژه‌هایی که ساخت ترکیبی دارند، یکسان است و اهمیت املائی ندارد؛ نمونه:

نکته: واژگانی که یکی از حروف زیر را دارند، اهمیت املائی دارند:

۱- ع ۲- ت ط ۳- ز ذ ظ ض ۴- س ث ص ۵- غ ق ۶- ه ح

سوال

۱- در بین واژگان زیر، کدام واژه‌ها اهمیت املائی دارند؟ آن‌ها را بنویسید. (خارج، خرداد ۱۴۰۱)

الف) کاربرد (ب) شادی‌بخش (پ) بحر ت (د) دیوار ث) تریاق (۵/۰)

۲- در بین کلمات زیر، کدام واژه اهمیت املائی دارد؟ (دی ۹۷)

الف) شرف‌یاب (ب) خستگان (ج) مکاید (د) ماجرا

غلط رسم الخطی

۱- در فعل‌هایی که بن ماضی یا بن مضارع آن‌ها با «همزه» آغاز می‌شود، اگر پیشوند (ب، ن، م) بگیرند «همزه» به «ی» بدل می‌شود؛

نمونه:

ب + افتد ← بیفتد ن + افتد ← نیفتد م + افکن ← میفکن

۲- واژه‌هایی که صامت میانجی «گ» دارند اگر قبل از آن «ه» غیرملفوظ بیاید یک غلط رسم الخطی محسوب می‌شود و باید «ه» حذف

شود؛ نمونه:

آزاده‌گان ← آزادگان

سوال (غلط رسم الخطی)

۱- در هر یک از موارد زیر، یک نادرستی املائی بیابید و درست آن را بنویسید؟ (خرداد ۱۴۰۰)

الف) همچنان که می‌توانست او، اگر می‌خواست، / کان کمند شصت خم خویش بگشاید / و بیاندازد به بالا، ...

ب) در کتل و گردنه یک دوجین شکم و روده مراحل مضق و بلع و هضم و تحلیل را پیموده است.

۲- در جمله زیر، شکل درست واژه نادرست املائی را بنویسید. (خارج، خرداد ۹۸)

«و نه اهمیتی به چین‌وشکن‌های ناگزیر سالخورده‌گی می‌دهد.»

حفظ شعر (۱ نمره)

سوالات مرتبط با بخش حفظ شعر در نوبت دوم، شهریور و دی ماه فقط به شعر خوانی **ترم دوم** (دو مورد زیر) اختصاص می‌یابد:

۱- درس یازدهم: شعرخوانی «شکوه چشمان تو» از مرتضی امیری اسفندقه، ص ۹۶ و ۹۷ (۱۰ بیت)

۲- درس سیزدهم: شعرخوانی «ای میهن!» از ابوالقاسم لاهوتی، ص ۱۱۷ (۵ بیت)

تاریخ ادبیات فارسی دوازدهم

درس	آثار	پدیدآورنده	نظم / نثر	توضیحات
۱	گلستان	سعدی	نثر آمیخته به نظم	نوع ادبی: تعلیمی
۱	کلیله و دمنه	ترجمه نصرالله منشی	نثر آمیخته به نظم	گنج حکمت «گمان» برگرفته از این کتاب است.
۲	مناظره «مست و هوشیار»	پروین اعتصامی	نظم (قالب قطعه)	
۲	شعر خوانی: در مکتب حقایق	حافظ	نظم (قالب غزل)	
۳	آزادی	ابوالقاسم قزوینی	نظم (قالب غزل)	
۳	دفتر زمانه	فرّخی یزدی	نظم (قالب غزل)	
۳	روایت سنگ‌سازان ۲	عیسی سلمانی لطف‌آبادی	نثر	گنج حکمت «خاکریز» برگرفته از این کتاب است.
۵	قصیده دماوندیه	محمدتقی بهار	نظم (قالب قصیده)	محمدتقی بهار، شعر دماوندیه را در سال ۱۳۰۱ هجری شمسی در قالب قصیده سروده است.
۵	قصه شیرین فرهاد	احمد عربلو	نثر	
۶	مثنوی معنوی	مولوی	نظم	موضوع: عرفان
	نی‌نامه	مولوی	نظم (مثنوی)	موضوع: عرفان
	فیه مافیه	مولوی	نثر	موضوع: عرفان
۷	فی حقیقه العشق	شهاب‌الدین سهروردی	نثر	موضوع: عرفان
۷	تمهیدات	عین‌القضات همدانی	نثر	موضوع: عرفان
۸	مثل درخت در شب باران	محمد‌رضا شفیعی کدکنی (م. سرشک)	نظم (قالب غزل)	شعرخوانی: صبح ستاره‌باران
۸	از پاریز تا پاریس	محمدابراهیم باستانی پاریزی	نثر	موضوع: زندگی‌نامه باستانی پاریزی
۸	بینوایان	ویکتور هوگو	نثر	
۸	تذکره‌الاولیا	عطار نیشابوری	نثر	
۹	کویبر	دکتر علی شریعتی	نثر	موضوع: حسب‌حال دکتر علی شریعتی
۹	بخارای من، ایل من	محمد بهمن بیگی	نثر	موضوع: زندگی‌نامه محمد بهمن بیگی
۱۰	دری به خانه خورشید	سلمان هراتی	نظم (قالب غزل)	
۱۰	تیرانا	محمد‌رضا رحمانی (مهرداد اوستا)	نثر	
۱۱	ساتناماریا (مجموعه آثار)	سیدمهدی شجاعی	نثر	متن «آن شب عزیز» برگرفته از این کتاب است.
۱۱	شعر خوانی: شکوه چشمان تو	مرتضی امیری اسفندقه		
۱۲	شاهنامه	فردوسی		* سیاوش فرزند کاووس، شاه خیره‌سر کیانی است که پس از تولد، رستم او را به زابل برده، رسم پهلوانی، فرهیختگی و رزم و بزم بدو می‌آموزد.
۱۳	در حیاط کوچک پاییز در زندان	اخوان ثالث	نظم - نیمایی	متن «خوان هشتم» برگرفته از کتاب «در حیاط کوچک پاییز در زندان» است.
	ای میهن	ابوالقاسم لاهوتی	غزل اجتماعی	
۱۴	منطق الطیر	عطار نیشابوری	نظم (مثنوی)	موضوع کتاب: عرفان آیات درس «سی مرغ و سیمرغ» برگرفته از این کتاب است.
۱۴	سندبادنامه	ظهیری سمرقندی	نثر	
۱۶	کیاب‌غاز	محمدعلی جمال‌زاده	نثر	ویژگی‌های نثر جمال‌زاده: ۱- ساده ۲- طنزآمیز و انتقادی ۳- کاربرد ضرب‌المثل‌ها، کنایات و اصطلاحات عامیانه و کنایات
۱۶	ارمیا	رضا امیرخانی	نثر	
۱۷	هوا را از من بگیر، خنده‌ات را نه!	پابلو نرودا	نثر	متن «خنده تو» برگرفته از این کتاب است.
۱۷	مسافر	یوهان کریستف فرید شیللر	نثر	
۱۸	غزلواره‌ها	شکسپیر		
۱۸	قصه‌های دوشنبه	آلفونس دوده	نثر	حواست باشه! کتاب «قصه‌های دوشنبه» را عبدالحسین زرّین‌کوب ترجمه کرده است.

قالب‌های شعر

<p>غزل: نوعی قالب شعری است که مصراع اول و تمام مصراع‌های زوج آن هم‌قافیه و تعداد ابیاتش حداقل پنج بیت است. موضوع غزل معمولاً بیان عواطف و احساسات است.</p> <p>غزل اجتماعی:</p> <p>۱- به غزل‌هایی که محتوای آنها بیشتر مسائل سیاسی و اجتماعی است، غزل اجتماعی می‌گویند. ۲- در عصر مشروطه با توجه به دگرگونی‌های سیاسی و اجتماعی، این نوع غزل رواج یافت. ۳- سرایندگان غزل اجتماعی: ۱- محمدتقی بهار ۲- ابوالقاسم عارف قزوینی ۳- فرخی یزدی ۴- شعر «آزادی»، نمونه‌ای از اشعار وطنی عارف قزوینی است که به سلطه بیگانگان و بیدادگری محمدعلی شاه اشاره دارد. غزل‌های اجتماعی: ۱- «آزادی» از ابوالقاسم عارف قزوینی ۲- «دفتر زمانه» از فرخی یزدی ۳- «ای میهن» از ابوالقاسم لاهوتی</p>	<p>۲ قطعه: شعری است حداقل در دو بیت که مصراع‌های زوج آن‌ها هم قافیه است. این نوع شعر دارای وحدت موضوع است و موضوع آن غالباً پند و اندرز است.</p> <p>توجه: مناظره «مست و هشیار» از پروین اعتصامی در قالب قطعه سروده شده است. (فارسی دوازدهم، درس دوم)</p> <p>محتسب، مستی به ره دید و گریبانش گرفت گفت: «ای دوست، این پیراهن است، افسار نیست» گفت: «مستی، زان سبب افتان و خیزان می‌روی» گفت: «جرم راه رفتن نیست، ره هموار نیست» گفت: «نزدیک است والی را سرای، آن جا شویم» گفت: «والی از کجا در خانه خمار نیست؟»</p>
<p>۳ قصیده: قالب شعری است که قافیه در مصراع اول و تمام مصراع‌های زوج آن رعایت می‌شود و تعداد ابیات آن معمولاً بیش از پانزده بیت است.</p> <p>نکته ۱: قصیده و غزل در تعداد ابیات و محتوا با هم تفاوت دارند.</p> <p>نکته ۲: شعرهای «دماوندیه» و «مست و هشیار» را از نظر قالب مقایسه کنید. (فارسی دوازدهم، درس ۵)</p> <p>شعر «دماوندیه» در قالب قصیده سروده شده که قافیه در مصراع اول و تمام مصراع‌های زوج آن آمده است. و محتوای این شعر، موضوعات سیاسی و دعوت به قیام و مبارزه با ظلم و ستم است.</p> <p>شعر «مست و هوشیار» در قالب قطعه سروده شده که مصراع‌های زوج آن‌ها هم قافیه است. محتوای این شعر، دوری از تزویر و دورویی و بیان اوضاع نابه‌سامان اجتماعی است.</p>	<p>۴ مثنوی: قالب شعری است که در هر بیت آن قافیه‌ای جداگانه دارد. شاعران، در سرودن منظومه‌های داستانی، غالباً از قالب «مثنوی» بهره می‌گیرند.</p> <p>«بشنو این نی چون شکایت می‌کند از جدایی‌ها حکایت می‌کند کز نیستان تا مرا بیریده‌اند در نفریم مرد و زن نالیده‌اند سینه خواهم شرحه شرحه از فراق تا بگویم شرح درد اشتیاق»</p> <p>* قالب‌های مهم مثنوی در فارسی دوازدهم: ۱- «نی‌نامه» از مولانا ۲- گذر سیاوش از آتش ۳- سی مرغ و سیمرغ از منطق‌الطیر عطار</p>
<p>۵ شعر آزاد (نیمایی): شعری است با مصراع‌های کوتاه و بلند که وزن دارد اما جای قافیه در آن مشخص نیست؛ نمونه: شعر «خوان هشتم» از مهدی اخوان ثالث (درس ۱۳)</p>	